

کلود ریویر

درآمدی بر انسان شناسی

ترجمه ناصر فکوهی



نشرنی

ریویر، کلود ۱۹۶۷- Riviere, Claude

درآمدی بر انسان‌شناسی / کلود ریویر؛ ترجمه ناصر فکوهی -
تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۳۱۲ ص.

ISBN 964-312-540-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی: **Introduction à l'Anthropologie**
واژه‌نامه.
چاپ پنجم: ۱۳۸۴.

۱. انسان‌شناسی. الف. فکوهی، ناصر، ۱۳۳۵ - مترجم.
ب. عنوان.
د ۲ / ر ۹۵ / GN ۲۵
۱۳۷۹

م ۷۹-۱۲۵۹۹

کتابخانه ملی ایران



نشر نی

تهران. خیابان فاطمی. خیابان رهی معیری. شماره ۵۸. کد پستی ۱۴۱۳۷
تلفن: ۵۹ و ۸۰۰۴۶۵۸. صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵
www.nashreny.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲
تلفن: ۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۴۹۸۲۹۴
کتابفروشی: خیابان کریم‌خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹
تلفن ۸۹۰۱۵۶۱

Claude Rivière

کلود ریویر

درآمدی بر انسان‌شناسی

Introduction à l'Anthropologie

Paris, Hachette, 1995

ترجمه ناصر فکوهی

• چاپ پنجم ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۱۶۵۰ نسخه • لیستوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-540-8

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۵۴۰-۸

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۷	تذکر مؤلف: جهت‌گیری‌های کتاب
۱۹	فصل اول. مفاهیم و روش‌های انسان‌شناسی
۲۰	۱. چند مفهوم پایه‌ای
۲۰	الف. دیگری
۲۳	ب. قوم‌مداری
۲۵	پ. قوم
۲۶	ت. مردم‌شناسی و انسان‌شناسی
۲۹	ث. موضوع و رویکرد انسان‌شناسی
۳۱	۲. انسان‌شناسی و سایر علوم انسانی
۳۱	الف. انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی
۳۳	ب. انسان‌شناسی و تاریخ
۳۶	پ. به سوی مردم‌شناسی زبان‌شناختی
۳۸	ت. سایر تخصص‌ها
۳۹	۳. روش انسان‌شناسی
۳۹	الف. مردم‌نگاری بر زمین تحقیق
۴۲	ب. مشاهده مشارکتی
۴۵	پ. اطلاع‌رسان‌ها
۴۷	ت. چگونگی تفسیر نتیجه‌ها
۴۸	ث. تکننگاری
۵۱	فصل دوم. جریان‌های عمده در اندیشه مردم‌شناختی
۵۱	مقدمه. پیشینه مردم‌شناسی
۵۴	۱. تطورگرایی

۵۴	الف. پایه‌های ایدئولوژیک
۵۶	ب. نظریه پردازان
۵۹	پ. چند ملاحظه
۵۹	۲. اشاعه‌گرایی
۵۹	الف. اصلاح تاریخ از طریق جغرافیا
۶۳	ب. فرانتس بوآس
۶۵	۳. فرهنگ‌گرایی
۶۵	الف. رالف لیتون
۶۷	ب. آبرام کاردینر
۶۸	پ. روث بندیکت
۶۸	ت. مارگارت مید
۶۹	ث. چند ملاحظه
۷۰	۴. گرایش‌های انسان‌شناسی فرانسه
۷۰	الف. نظام‌های اندیشه
۷۲	ب. جریان پویاگرا
۷۴	پ. جریان مارکسیست
۷۵	۵. کارکردگرایی
۷۵	الف. واژگان
۷۷	ب. نمایندگان
۸۰	پ. چند ملاحظه
۸۱	۶. ساخت‌گرایی
۸۱	الف. ساخت-کارکردگرایی بریتانیا
۸۳	ب. انسان‌شناسی ساختی لوی استراوس
۸۴	پ. شکنندگی نظریه ساخت‌گرا
۸۵	۷. مکتب انسان‌شناسی آمریکایی
۸۹	فصل سوم. انسان‌شناسی خویشاوندی
۸۹	۱. مقدمه
۸۹	الف. پیشینه موضوع
۹۱	ب. خویشاوندی به مثابه پیوند
۹۴	۲. مناسبات فرزندی
۹۴	الف. نظام‌های فرزندی
۹۷	ب. گروه‌های خویشاوندی
۹۸	پ. مناسبات فرزندی و همبستگی
۱۰۰	۳. وصلت زناشویی
۱۰۰	الف. تعریف

۱۰۰	ب. انتخاب همسر
۱۰۱	پ. شکل های مبادله
۱۰۳	ت. شکل های خاص ازدواج
۱۰۴	ث. روابط جنسی پیرزناشویی
۱۰۶	ج. ممنوعیت ازدواج با محارم
۱۰۸	چ. خانواده
۱۰۹	ح. چند همسری
۱۱۱	۴. وازگان خویشاوندی
۱۱۱	الف. تمایزهای اساسی
۱۱۲	ب. معیارهای نامگذاری (نومن کلاتور)
۱۱۴	ج. پدر-مادری و تبارشناسی
۱۱۵	۵. آشیانگاه
۱۱۶	۶. رفتارهای والدین و وصلت یافتگان
۱۱۸	۷. ارث و قدرت
۱۱۹	۸. نتیجه گیری: پویایی خویشاوندی

فصل چهارم، انسان شناسی اقتصادی

۱۲۳	۱. پیشینه تاریخی
۱۲۷	۲. محیط شناسی
۱۲۸	۳. فن آوری فرهنگی
۱۳۰	۴. شیوه ها، شکل ها، مناسبات تولیدی
۱۳۰	الف. تولید
۱۳۲	ب. پدیده اجتماعی نام
۱۳۳	پ. پدیده کمیابی
۱۳۳	ت. کار
۱۳۵	ث. مالکیت
۱۳۶	۵. مبادله و گردش کالاها و خدمات
۱۳۶	الف. هدیه
۱۳۸	ب. مبادله
۱۳۸	پ. تجارت
۱۴۰	ت. پول
۱۴۰	ث. بازار
۱۴۱	۶. مصرف
۱۴۴	۷. چند گونه اقتصادی
۱۴۴	الف. شکار-گردآوری

۱۴۶	ب. کشاورزی
۱۴۷	پ. شبانی- دام‌داری
۱۴۸	۸. نتیجه‌گیری
۱۵۱	فصل پنجم. انسان‌شناسی سیاسی
۱۵۲	۱. پیدایش مفاهیم کلیدی
۱۵۲	الف. پیشینه
۱۵۵	ب. معانی قدرت
۱۵۹	۲. امر سیاسی در خارج از حوزه سیاسی
۱۵۹	الف. پیوند با نظام خویشاوندی
۱۶۱	ب. قدرت تقدس‌یافته
۱۶۴	پ. حیثیت اقتصادی
۱۶۶	د. پایه قشربندی شده امر سیاسی
۱۷۰	۳. چندگونه سازمان سیاسی
۱۷۰	الف. دسته‌ها
۱۷۱	ب. جوامع با قدرت نامشخص
۱۷۳	پ. رئیس‌سالاری
۱۷۶	ت. دولت
۱۷۸	۴. پویایی مدرن
۱۸۱	۵. نتیجه‌گیری
۱۸۳	فصل ششم. انسان‌شناسی دینی
۱۸۳	مقدمه تاریخی
۱۸۵	۱. دین و امر قدسی: حدود یک حوزه
۱۸۵	الف. تعریف میدان انسان‌شناسی دینی
۱۸۶	ب. اصلاح پیش‌داوری‌ها
۱۸۸	پ. معنای امر قدسی
۱۹۰	۲. جادو، شمنیسم و سحر
۱۹۰	الف. جادو
۱۹۱	ب. شمنیسم
۱۹۲	پ. سحر
۱۹۴	۳. باورهای اسطوره‌ای
۱۹۴	الف. اسطوره به‌مثابه تصویری از بازنمودهای جمعی
۱۹۵	ب. تحلیل ساختی اسطوره‌ها
۱۹۷	پ. بازیگران اصلی در اسطوره

۱۹۹	ت. جان بدمثابه یک اصل زنده
۲۰۰	ث. چند مفهوم کلیدی دورکیم
۲۰۳	۴. مناسک
۲۰۳	الف. تعریف‌ها و تمایزها
۲۰۵	ب. نمونه‌ها و کارکردها
۲۰۷	پ. از کیش‌های نیاکانی تا کیش‌های درهم‌گرا
۲۱۰	ت. نشانه‌ها: تسخیر و غیب‌شناسی
۲۱۲	۵. پویایی‌های دینی معاصر
۲۱۷	فصل هفتم. نگاهی بر انسان‌شناسی معاصر
۲۱۸	۱. انسان‌شناسی در سطوح ملی
۲۱۸	الف. انسان‌شناسی در آمریکا
۲۲۰	ب. انسان‌شناسی در بریتانیا
۲۲۱	پ. انسان‌شناسی در هلند، بلژیک و سوئیس
۲۲۲	ت. انسان‌شناسی در آلمان
۲۲۳	ث. انسان‌شناسی در فرانسه
۲۲۷	۲. مضمون‌های انسان‌شناسی در فرانسه
۲۲۷	الف. فلکلور
۲۲۸	ب. روستا
۲۳۰	پ. پدیده‌های محلی، روزمره و نمادین
۲۳۱	ت. شهر و صنعت
۲۳۴	ث. خویشاوندی
۲۳۹	نتیجه‌گیری عمومی
۲۴۳	کتابنامه
۲۴۵	ضمیمه‌ها
۲۴۵	۱. فرهنگ و زبان
۲۶۵	۲. مردم‌شناسی در ایران، پیشینه تاریخی و چشم‌اندازها
۲۷۴	برخی از منابع قابل استفاده در زمینه انسان‌شناسی به زبان فارسی
۲۷۷	برخی از پایگاه‌های انسان‌شناسی بر روی شبکه اینترنت
۲۸۵	واژگان
۳۰۹	فهرست اعلام

پیشگفتار مترجم

انسان‌شناسی یکی از شاخه‌های علمی-دانشگاهی در مجموعه علوم اجتماعی است که در چند دهه اخیر در کشورهای توسعه‌یافته با بیشترین اقبال روبه‌رو شده و توانسته است گروه بزرگی از اندیشمندان، پژوهشگران و دانشجویان را به سوی خود جذب کند و زمینه‌های بی‌شماری را برای فعالیت علمی به آن‌ها عرضه نماید. موفقیت انسان‌شناسی به حدی بوده است که حتی به خارج از حوزه این علم و علوم اجتماعی نیز سرایت کرده است و بسیاری از پژوهشگران سایر علوم امروز از روش‌ها و مباحث این رشته در حوزه خویش استفاده می‌کنند. امروزه هیچ دانشگاه معتبری را در حوزه علوم اجتماعی نمی‌توان در کشورهای توسعه‌یافته، سراغ کرد که دارای رشته مستقل انسان‌شناسی و بسیاری از تخصص‌های آن نباشد. ادبیات انسان‌شناسی نیز به‌ویژه در دو دهه اخیر به صورت گسترده‌ای تمامی زمینه‌های زندگی انسان مدرن را در بر گرفته و منابع بی‌شماری را به شکل مباحث و اندیشه‌های جدید به علاقه‌مندان عرضه نموده است.

اما شکوفایی انسان‌شناسی در سال‌های اخیر را باید موجی تازه دانست که در پی دورانی از رکود نسبی و لاقابل کم‌اقبال نسبت به این رشته و حوزه‌ی پژوهشی-آموزشی آن از راه رسیده است. انسان‌شناسی دست کم در اروپا، وارث شاخه علمی دیگری بود با نام «مردم‌شناسی» (ethnology) که پیشینه آن به نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی می‌رسید. البته نباید ناگفته گذاشت که این رشته از همان آغاز در آمریکا با نام «انسان‌شناسی» شناخته می‌شد. اما در اروپا واژه «انسان‌شناسی»

لااقل تا دهه ۶۰ قرن بیستم بیشتر به شاخه خاصی از مطالعه بر انسان اطلاق می‌گردید که به بررسی و شناخت وضعیت کنونی، منشأ و تحول تاریخی «انسان» به مثابه موجودی زیستی (بیولوژیک) اختصاص داشت. اما از دهه ۶۰ به این سو در اروپا (و از ابتدای قرن بیستم در آمریکا) واژه «انسان‌شناسی» با گرفتن دو صفت متفاوت، توانست حوزه‌های مطالعاتی خود را دقیق‌تر کند. به این ترتیب از یک سو «انسان‌شناسی زیستی» مطرح شد و از سوی دیگر «انسان‌شناسی فرهنگی». موضوع مورد علاقه انسان‌شناسی زیستی یا طبیعی، همانگونه که بیان شد بررسی سرنوشت زیستی انسان بود. در این شاخه پژوهشگرانی که عمدتاً در حوزه باستان‌شناسی یا زیست‌شناسی قرار می‌گرفتند، مطالعات گسترده که از قرن قبل بر فسیل‌های انسانی آغاز شده بود را همراه با پژوهش میدانی بر جمعیت‌های انسانی کنونی عموماً با تکیه بر مشخصات زیستی (نظیر رنگ و جنس پوست، مو، شکل اندام‌ها و استخوان‌بندی، ساخت ژنتیک ...) ادامه دادند و با انباشت علمی بزرگی که در این زمینه ایجاد شد، انسان‌شناسی زیستی خود، به رشته‌ای مستقل با روش‌های اختصاصی و بسیار پیچیده بدل شد.

اما در کنار این رشته، انسان‌شناسی فرهنگی که در بریتانیا نام «انسان‌شناسی اجتماعی» به آن داده شد، مطرح گردید. این علم هدف و حوزه مطالعاتی خود را بررسی و شناخت انسان به مثابه یک موجود فرهنگی قرار داد. به همین دلیل مفهوم فرهنگ در گسترده‌ترین معنی آن یعنی مجموعه پدیده‌های رفتاری و فکری که انسان‌ها در هر جامعه دریافت می‌کنند و از آن طریق به جامعه مزبور احساس تعلق پیدا کرده و هویت می‌یابند، به صورت محور اساسی این شاخه از انسان‌شناسی درآمد. انسان‌شناسی فرهنگی در واقع در همان جایگاهی قرار می‌گرفت که پیش از آن مردم‌شناسی در اختیار خود داشت و عمدتاً از همان روش‌هایی استفاده می‌کرد که پیش از آن خاص مردم‌نگاری (ethnography) بود یعنی روش‌هایی مبتنی بر مشاهده، مشاهده همراه با مشارکت عملی در موضوع تحقیق، توصیف دقیق و همه جانبه موضوع، مصاحبه و گردآوری همه اشیا و همه اندیشه‌ها و باورهای ممکن از طریق ایجاد تماس مستقیم و متداوم با موضوع تحقیق. با وجود این گستره موضوعی انسان‌شناسی به نسبت مردم‌شناسی بسیار بیشتر است و این امر تا اندازه زیادی به سرآغاز شکل گرفتن علم مردم‌شناسی در اروپای قرن نوزدهم بازمی‌گردد.

واژه «مردم‌شناسی» در نیمهٔ قرن نوزدهم میلادی و همزمان با واژه «جامعه‌شناسی» ابداع شد. علوم اجتماعی در این زمان با بهره‌گرفتن و تا حدی با الگوبرداری از علوم طبیعی تلاش می‌کردند به خود شکل و محتوایی علمی داده و جایی برای خود در دانشگاه‌های اروپایی باز کنند. پیدایش این علوم در این زمان البته بدون دلیل نبود. پس از انقلاب اجتماعی اواخر قرن هجدهم و نیمهٔ اول قرن نوزدهم، دولت‌های ملی یعنی دولت‌های جدیدی پا به عرصهٔ وجود گذاشته بودند که برای نخستین بار در تاریخ حاکمیت‌های سیاسی، منشأ مشروعیت خود را نه از «بالا» بلکه از «پایین» اخذ می‌کردند. این دولت‌ها بر خلاف اسلاف خویش، خود را نه نمایندهٔ خداوند بر روی زمین می‌دانستند و نه برخوردار از اشرافیتی مبتنی بر خون و نژاد، برعکس، آن‌ها اعتماد و آرای «مردم» را تنها معیار مشروعیت خود اعلام می‌کردند. به همین دلیل بود که مفاهیم «ملت» و «مردم» شکل گرفتند و در تمام طول قرن نوزدهم اندیشمندان اروپایی، نویسندگان و شاعران و... دست به ابداع و اسطوره‌سازی از این مفهوم‌ها زدند تا نوعی خودآگاهی «ملی» و درحقیقت نوعی «وجدان» ملی بیافرینند. نتیجهٔ آن بود که باور به وجود آنچه امروز «آرای عمومی» یا «افکار عمومی» می‌نامیم به شکل گسترده‌ای پدید آمد.

با پیدا شدن مفهوم «مردم»، مفهوم «جامعه» نیز هر چه بیشتر شکل می‌گرفت و اکنون زمان آن فرا می‌رسید که شناخت «جامعه» به مثابهٔ یک واقعیت بیرونی، همچون یک پدیدهٔ طبیعی، در دستور کار اندیشمندان قرار بگیرد. به همین دلیل بود که جامعه‌شناسی ابتدا با عنوان گویای «فیزیک اجتماعی» در فرانسه پدیدار شد و سپس به همت آگوست کنت^۱ نام «جامعه‌شناسی» بر آن گذاشته شد. جامعه‌شناسی به این ترتیب علمی تعریف شد که هدف از آن بررسی و شناخت جامعه با روش‌های علمی است. این روش‌ها عمدتاً با تکیه بر روش‌های علوم طبیعی تبیین شده بودند یعنی تکیه بر فرایند مشاهده، فرضیه‌سازی، آزمایش، قانون‌سازی و تعمیم قوانین. از این رو از همان آغاز جامعه‌شناسی تلاش کرد علم آمار را تقویت کرده و از آن ابزاری اساسی در روش‌های پژوهشی خود بسازد.

با وجود این نکته‌ای که در این زمان وجود داشت آن بود که اندیشمندان اروپایی

1. Auguste Comte

تفکیکی روشن میان «خود» (یعنی جامعه اروپایی آن زمان) و «دیگران» (یعنی مردمان کشورهای مستعمره و جوامعی که بر آن‌ها نام «ابتدایی» گذاشته شد) قائل می‌شدند. این تفکیک با تکیه بر نظریه غالب در آن زمان یعنی تطوّرگرایی، از این باور حرکت می‌کرد که همه پدیده‌های موجود حاصل یک سیر تطوری یعنی یک خط تاریخی هستند که در آن حرکت از سادگی به پیچیدگی و از پستی به اعتلا انجام گرفته است. در این خط «مراحل» خاصی در نظر گرفته می‌شد که موجودیت‌ها برای انطباق خود با محیط، دچار تغییراتی اساسی شده‌اند و به اصطلاح دگرش یافته‌اند تا سرانجام آن گروهی از پدیده‌ها که توانسته‌اند از گزینش طبیعی (natural selection) عبور کنند و خود را با همه دگرگونی‌های طبیعی انطباق دهند تا به امروز برسند. اندیشمندان اروپایی به این ترتیب جامعه خود را در انتهای تاریخ و در پیشرفته‌ترین نقطه از آن قرار می‌دادند و جوامع به اصطلاح «ابتدایی» را در آغاز تاریخ و در پست‌ترین نقطه آن. و تصور آن‌ها این بود که این دو نوع جامعه نیاز به دو نوع شناخت متفاوت دارد.

به این ترتیب بود که مردم‌شناسی در کنار جامعه‌شناسی پا به عرصه وجود گذاشت و حوزه خود را در جوامع ابتدایی مشخص کرد. نسل نخست مردم‌شناسان، کسانی بودند که در حقیقت با تکیه بر قدرت و امکانات استعماری شروع به شناخت این جوامع کردند. با وجود این مردم‌شناسان توانستند به سرعت خود را از بدنه استعماری جدا کنند و با نزدیک شدن و پیوند هر چه بیشتر به موضوع مورد مطالعه خویش شناخت علمی را از الزامات استعماری تفکیک نمایند. در طول حدود یک قرن از نیمه قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم مردم‌شناسی توانست ادبیات و گنجینه فرهنگی غنی و ارزشمندی گرد آورد که عمدتاً از توصیف‌های گسترده جوامع غیراروپایی و گردآوری اشیاء و عناصر معنوی زندگی آن‌ها تشکیل شده بود و توانست نه تنها موزه‌های مردم‌شناسی اروپایی را به مراکز بزرگ فرهنگ غیراروپایی تبدیل کند، بلکه زمینه مناسب را برای مطالعه نسل بعدی نیز به وجود بیاورد.

پس از جنگ جهانی دوم و با به استقلال رسیدن مستعمرات سابق و پدید آمدن نسل جدیدی از مردم‌شناسان بومی، اروپاییان ناچار به بازگشت به کشورهای خود شدند و از این زمان مردم‌شناسی به تدریج وارد حوزه‌هایی شد که پیش از آن صرفاً در محدوده مطالعه جامعه‌شناسی قرار می‌گرفتند. گروه بزرگی از مشکلات فرهنگی

که در طول جنگ و پس از آن در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته پدید آمده بودند نیز محورهای جدیدی را برای رشد مطالعات مردم‌شناختی به وجود آوردند.

در نتیجه پس از جنگ جهانی دوم رویکردی جدید در مردم‌شناسی آغاز شد. این رویکرد که به همراه خود تغییر نام تدریجی این رشته را نیز از مردم‌شناسی به انسان‌شناسی ایجاد کرد، سبب شد که نوسازی عمیقی در این رشته دانشگاهی به وجود بیاید. انسان‌شناسان تلاش می‌کردند به درکی جدید از مفاهیم «انسان» و «فرهنگ» دست یابند و بتوانند تمامی جنبه‌های بی‌شماری که در زندگی اجتماعی این مفاهیم را در رابطه با یکدیگر قرار می‌دهند به عنوان موضوع مطالعات خود تعیین کنند تا از این راه به شناختی ژرف‌انگیز و کل‌گرا از واقعیت اجتماعی برسند که جای آن در کنار شناخت پنهانگر و جزگرای جامعه‌شناسی خالی بود. روش‌های انسان‌شناسی اعم از مشاهده همراه با مشارکت در زندگی جامعه مورد مطالعه، مصاحبه‌ها و توصیف‌ها، کاملاً از روش‌های جامعه‌شناسی که عمدتاً روش‌هایی کمی و مبتنی بر آمار، متغیرهای محدود و نمونه‌گیری بود، جدا می‌شدند و این دو علم را هر چه بیشتر به دو شاخه مکمل یکدیگر تبدیل می‌کردند.

امروزه انسان‌شناسی، علمی پویا و زنده است که در تمامی دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود و فارغ‌التحصیلان آن به‌عنوان متخصصان فرهنگ، عموماً می‌توانند در نهادهای گوناگون برنامه‌ریزی شهری، اجتماعی و فرهنگی جذب شوند.

شکل‌گیری و تحول علم مردم‌شناسی در ایران که بخش خاصی در ضمایم کتاب حاضر به آن اختصاص داده شده است، از آغاز قرن بیستم و به صورت فرایند دوگانه‌ای در سطح دانشگاهی و غیردانشگاهی انجام گرفت و در چند سال اخیر با گشایش دوره کارشناسی مردم‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران وارد مرحله جدیدی شده است به صورتی که امید می‌رود در سال‌های آینده تحول اساسی انسان‌شناسی در کشورهای توسعه یافته را در کشور خود نیز شاهد باشیم. با وجود این در این زمینه هنوز با مشکلات و موانعی جدی نیز روبه‌رو هستیم که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کمبود ادبیات تخصصی در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی است. ترجمه کتاب حاضر که به وسیله یکی از اساتید پر تجربه فرانسه به منظور استفاده

دانشجویان دوره کارشناسی نوشته شده است، قدمی برای جبران این موانع است. پروفیسور کلود ریویر استاد انسان‌شناسی در دانشگاه سوربن (پاریس ۵) است و در همین دانشگاه مدت‌ها مسئولیت مدیریت لابراتوار مردم‌شناسی را برعهده داشته است.

هر چند کتاب درآمدی بر انسان‌شناسی با دیدگاهی کامل تلاش کرده است مواد لازم را برای درس «میانی مردم‌شناسی» عرضه کند، اما به دلیل تفاوت مشخصی که میان سطوح دانشگاهی و ترکیب مواد درسی دو کشور وجود دارد، جای چند بخش در این کتاب خالی به نظر می‌رسید و مترجم تلاش کرده است با اضافه کردن ضمایی به کتاب آن را کامل‌تر کند. همچنین برخی اطلاعات دیگر که برای دانشجویان انسان‌شناسی مفید به نظر می‌رسند، در بخش ضمائم به کتاب افزوده شده‌اند.

در پایان جای آن هست که از دوستان و اساتید بزرگوار آقایان دکتر علی بلوکباشی، دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر، دکتر اصغر عسگری خانقاه و دکتر مرتضی کتبی برای راهنمایی‌ها و تذکرات بسیار ارزشمندشان، تشکر نمایم. امید است که این کتاب بتواند قدمی هرچند کوتاه در راه غنی‌کردن ادبیات انسان‌شناسی بر دارد و خوانندگان آن با تذکرات خود، مترجم را در رفع کاستی‌ها و مشکلات احتمالی آن یاری رسانند.